

تلفن: ۰۸۸۷۶۱۷۲۰ /تایمر: ۰۸۸۷۶۱۲۴۵ /ارتباط مردمی: ۰۸۸۷۶۹۰۷۵ /پیامک: ۰۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ /روایط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۵۳۳۸۰-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۰۸۸۷۴۸۸۰۰ چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی سازمان آگهی‌های روزنامه ایران- دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۸۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگي مطبوعاتي ايران: ۰۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewsaper.ir	
اذان ظهر ۱۲/۵۹ اذان مغرب ۱۹/۲۷ نیمه شب شرعی ۰۰/۱۷ اذان صبح فردا ۵/۲۵ طلوع آفتاب فردا ۶/۴۹	
امام‌رضاع: ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است، و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان است و به فرزند آدم چیزی بالاتر از یقین داده نشده است.	
سخن روز	(تحف العقول، ص ۴۴۵)

نـنگاره	فیروزه مظفری
	
محیط زیست در خطر	
	
#محمدعلی نجفی هشتگ	
تأیید عمادی بودن قتل میترا استاد به‌دست محمدعلی نجفی خبرساز شد. ۳۹ قاضی رای دادگاه کیفری ۲۷ قاضی رای شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور را تأیید کردند تا کاربرانی پس از گذشت یک سال و نیم از این قتل باز هم درباره‌اش بحث کنند. خیلی‌ها به مسأله رضایت دادن خانواده میترا استاد اشاره می‌کردند و از اینکه با این رضایت نجفی اعدام نمی‌شود گله داشتند. کاربرانی هم به حرف‌های دادستان کل کشور درباره اینکه میترا استاد اطلاعاتی از نجفی داشته است اشاره می‌کردند: «پرونده حاضر شاکي خصوصي ندارد و از این حیث مسأله قصاص منتفی است و امروز جنبه عمومی این جرم تعیین تکلیف می‌شود. جنبه عمومی این پرونده از دو حیث مورد توجه است: اگر جنایت واقع شده عمد باشد یک نوع مجازات دارد و اگر غیر عمد باشد نوع دیگری مجازات دارد.»، «عمدی بودن قتل میترا استاد تأیید شد. چرا داره اون وکلای رو که سعی داشتن ثابت کنن نجفی از روی غیرعمد قتل انجام داده گوشمالی داد»، «بر اساس اخبار قتل خانم میترا استاد توسط آقای محمد علی نجفی عمد شناخته شده. موج رسانه‌ای جدید در راه است»، «میترا استاد کشته شد چون اطلاعاتی داشت که نجفی از افشای آنها هراس داشت! پرستو بود یا نبود مهم نیست، مهم این بود که نزدیک شدن به محافل قدرت ممکنه هزینه سنگین و غیر قابل جبران داشته باشه»، «تنهایی و بی‌کسی یعنی همین که حتی پرونده قتلت هم، شاکي خصوصی ندارد. تو این چند ماه، تنهایی و بی‌کسی زنان، به تلخی به چشم اومد.»، «ولی امیدوارم روزی همه اینها مشخص بشه و از معلوم بشه پشت پرده این ماجرا چی بوده. حتماً خداوند کمک خواهد کرد و من به این	
شهر وند مجازی	
پنگانه فدایی	
مهموناش نمیده، چه برسه به اینکه با سلیقه باشه»، «دلعوثی‌مون همین تخم‌مرغ بودا»، «دیگه نمی‌صرفه واسه چشم و نظر تخم مرغ بشکونی»، «خداروشکر این ترم مجازی‌ه وگرنه با این قیمت تخم‌مرغ همه ما دانشجوهای خوابگاهی از گشنگی می‌مردیم»، «دیشب همسر م به شونه تخم مرغ خرید بود همسایه دیده گفته اینا الان حکم طلا رو دارن، داشت از پله‌ها بالا می‌مود شدونه تخم مرغ کج شد ۲۰ تاش افتاد شکست. کلا سرمایه مون به باد رفت»، «به نظر من الان باید تو برنامه آشپزی تلویزیون طرز طبخ تخم مرغ زعفرونی به‌عنوان غذای لاکچری آموزش داده بشه»، «یادشونه پارسال بهم دادن زنده رو معدوم کردن؟ الان کامل سر قضیه باز شد که با اون کار امروز تخم مرغ دونه‌ای ۱۵۰۰ تومن شده»، «هر شانه تخم مرغ: دو روز پیش ۳،۵، دیروز ۳،۸ و امروز ۴،۲ هزار تومن. لامصب مگه داری هر روز بالاتر میری؟»، «با این قیمت تخم مرغ این سؤال ذهن همگان را به خود مشغول کرده است که اول مرغ بوده یا اول تخم مرغ بود؟»، «تخم‌مرغ شونه‌ای ۳،۸ هزارتومن! کی فکرشو میکردی هر روز مرغا هم شاخ بشن».	
تخم مرغ‌های لاکچری	
بالا رفتن قیمت تخم مرغ مسالهای است که این روزها درباره‌اش زیاد در شبکه‌های اجتماعی می‌خوانیم. بخصوص از طرف کاربران جوانی که تخم مرغ غذای اصلی دوران مجردی و دانشجویی شان است و حالا از سخت‌تر شدن زندگی می‌نویسند. قیمت‌های متفاوتی که برای تخم مرغ از سوی فروشنده‌ها اعلام می‌شود شونه تخم مرغ کج شد است که به آن اشاره می‌کنند: «جوری شده که باید تخم مرغ رو بذاریم تو یخچال فقط نگاش کنیم»، «توی فاصله سه روز رفتن شونه تخم‌مرغ بخرم. امروز که فروشنده قیمتو گفت احساس اصحاب کُهِف بودن بهم دست داد. آخه لعنتی، این همه گرون شدن توی سه روز»، «دیده بودیم قدیما یکی چشم میخورد براش تخم مرغ می‌شکستن، الان با این قیمت دونه‌ای ۱۳۰۰ تومن کسی تخم‌مرغ بخوره چشمش می‌زنن»، «الان به سری میان با نگاه عاقل اندر سقیه کامنت می‌ذارن: از ماست که پر ماست! حالا نمی‌شه به چند وقت تخم مرغ نخورید!»، «با این قیمت مرغ و تخم مرغ و کره و ماست کوکب خانم محل به	



معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

سه سناریو بر ای جشنواره موسیقی فجر در نظر گرفته می شود

جشنواره موسیقی فجر طبیعتاً باید مس‌توره ای از تمام سلاقی باشد و نشان دهنده ما خانواده بزرگی در حوزه موسیقی ایران داریم. اگر این جشنواره‌ها با عیار مناسب برگزار شوند بهترین آوردگاه هستند برای اینکه جوان‌ها خودشان و آثارشان را به نمایش بگذارند. سه سناریو برای این جشنواره در نظر گرفته می‌شود، سناریوی اول وضعیت سفید است که اگر شرایط از نظر بیماری مناسب بود، با این سناریو جشنواره برگزار شود و سناریو برای وضعیت زرد و قرمز نیز در نظر گرفته می‌شود تا در صورت شیوع بیماری و شدت آن جشنواره به شیوه‌های دیگر و متناسب با شرایط دنبال شود. در این شرایط مرحله نخست چهاردهمین جشنواره موسیقی جوان که یکی از گسترده‌ترین رویدادهای کشور است به صورت مجازی برگزار شد، پس تجربه جشنواره موسیقی جوان در جشنواره موسیقی فجر هم می‌تواند مورد استفاده باشد.

بخشی از صحبت‌های سیدمحبتی‌حسینی در جلسه شور ای سیاستگذاری سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر

ملاحظات در باره برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب

تجربه‌ای نو برای رونق نشر

خارجی هم اتفاق تازه‌ای است. از سوی دیگر

فراموش نکنیم که به محض کنترل بیماری کرونا، شرایط به اوضاع قبل بازمی‌گردد و نمایشگاه مجازی هم قرار است به‌طور موقت برگزار شود تا بلکه کمی از مشکلات مالی حوزه کتاب کم کند. شرایط فعلی نشر آنچنان است که باید تلاش شود تا ادامه حیات آن مختل نشود و این مهم‌ترین اتفاقی ست که چنین راهکارهایی به دنبال خواهند داشت. به‌طور حتم حتی طی سال‌های آینده هم این شیوه برگزار ی قرار نیست جایگزین برپایی فیزیکی نمایشگاه کتاب شود و در حال حاضر مرهمی است تا از این طریق قادر به عبور از مقطع فعلی و مشکلات نشأت گرفته از آن باشیم. بنابراین بهتر است قدری صبور باشیم و تا طرح اجرایی نشده نظری ندهیم. به گمانم نمایشگاه مجازی کتاب، از آنجایی که مبتنی بر فروش است چیزی شبیه پلتفرم‌ها و سایت‌های فروش اینترنتی شود که اتفاقاً برخی از آنها موفق عمل کرده‌اند و حتی می‌توان از تجربه آنان هم استفاده کرد. با اینکه معتقدم نباید انتظار غیرمعقولی از این نمایشگاه داشت اما دوباره توجه مردم را به سوی کتاب بازمی‌گرداند که این در شرایط بحرانی نشرمان اتفاق بسیار مهمی است. در این بین اگر مسئولان خواهان استفاده حداکثری از اجرایی کردن این طرح هستند باید تلاش زیادی در جهت اطلاع‌رسانی آن انجام دهند و همه مردم از کم و کیف و حتی وجود نمایشگاه مذکور باخبر شوند. نکته‌ای که نباید فراموش شود این است که مسئولان ارشاد قرار است چقدر برای برپایی

یادداشت



افشین شحده تیار
مدیرمسئول
انتشارات بین‌المللی
«شمع و مه»

تأکید دارم شرایط این روزها به‌گونه‌ای است که باید به دید مثبت با این شکل تازه برگزاری نمایشگاه کتاب روبه‌رو شویم.

مخالف مقایسه این نمایشگاه با نمونه‌های خارجی آن طی ماه‌های اخیر هستم چرا که ماهیت متفاوت نمایشگاه کتاب تهران با دیگر نمایشگاه‌های خارجی باعث اشتباه بودن هرگونه مقایسه‌ای است. حداقل ما اهالی نشر که می‌دانیم، اساس نمایشگاه کتاب تهران بر فروش داخلی کتاب، آن‌هم به شکل چاپی است اما در نمایشگاه‌های خارجی اصل بر فروش حقوق نشر (کپی رایت) کتاب استوار شده. با توجه به شرایط سختی که در همه دنیا پیش روی فروش کتاب و عرصه نشر قرار گرفته، بهتر است نگاه مثبتی به تجربه تازه‌ای که قرار است عرصه نشرمان با آن مواجه شود داشته باشیم.

بهرتر است اتفاقی را که هنوز آن را تجربه نکرده‌ایم نقد نکنیم، بویژه که این مسأله نه‌تنها در عرصه داخلی، بلکه در عرصه

آن چه نوع گفت‌وگویی است

قدیم‌ها استادی داشتیم توی دانشگاه که نمایشنامه‌نویسی درس می‌داد. بعدها هم که توی مدرسه نمایشنامه‌نویسی درس می‌دادم هر چیزی که از استادم یاد گرفته بودم تدریس می‌کردم. بعدها هم همین استادم یعنی عبدالحی شماسی یک کتاب مفصلی منتشر کرد درباره نمایشنامه‌نویسی با عنوان «چگونه آغاز کنیم». همیشه این سؤال مهمی است که نوشتن را از کجا آغاز کنیم. خیلی وقت‌ها نویسنده‌ها هم در گفت‌وگوهای شان درباره چطور شروع کردن‌های شان حرف می‌زنند. مثلاً می‌گویند ما اول شخصیت‌سازی می‌کنیم یا پلات‌مان را می‌نویسیم یا از دیالوگ شروع می‌کنیم یا و یا. یعنی اصلاً نمی‌شود به قطعیت گفت که از کجا می‌شود شروع کرد. شما از هر جایی می‌توانید برای نوشتن شروع کنید و پیش بروید.

همه این‌ها را نوشته‌م که به یک محنتی که جناب شماسی توی کتاب‌هایش تدریس می‌کرد برسم. بحث گفت‌وگو در نمایش. او گفت‌وگو را به چند نوع تقسیم می‌کرد. حرف زدن، بحث کردن، رجزخوانی و دیالوگ. بعدها که اتفاقی او را دیدم و یادی کردم از کلاس‌هایش گفت یک نوع دیگر گفت‌وگو هم پیدا کرده که در کنار این چهار نوع می‌نشیند که اصلاً به یاد ندارم آن چه نوع گفت‌وگویی است.

باز همه این‌ها را گفتم که برسم به بحث گفت‌وگو. اصلاً همه چیز با گفت‌وحو حل می‌شود. این جمله را شاید بارها شنیده باشید. شنیده باشید که بگویند بنشینید با هم اختلافات‌تان را حل کنید. اصلاً اگر گفت‌وگو وجود نداشت چطور ارتباط شکل می‌گرفت؟ البته نوع گفت‌وگو مهم است. یک وقتی است شما دارید همین طوری روزمره حرف می‌زید و نیاز به دیالوگ ندارید ولی یک وقتی باید درام شما شکل بگیرد و نمی‌توانید فقط حرف بزنید. حالا همه این‌ها را نوشته‌م که بگویم یکی از راه‌های ارتباط آدم‌ها با یکدیگر حرف زدن درباره خواب‌هایشان است. اینکه شما از خواب بیدار می‌شوید و خوابی که دیشب دیده‌اید را مرور می‌کنید و به مادر‌تان می‌گویید خواب فلان چیز را دیدم. بعد هم مادر‌تان می‌گوید یک صدقه بده مادر جان و شما هم یا گوش می‌کنید حرفش را یا گوش نمی‌کنید ولی وقتی شما پای‌تان را از خانه بیرون گذاشتید او صدقه‌اش را کنار می‌گذارد. اینکه، به دوستان می‌گویید وای می‌دانی دیشب چه خوابی دیدم؟ بگذار برایت تعریف کنم. بعد که تعریف می‌کنید دوست‌تان می‌گوید خوش به حالت من اصلاً خواب نمی‌بینم. یا خواب می‌بینم اما فراموش می‌کنم. اما هنوز گفت‌وگوی شما ادامه دارد. شما درباره هر چیز دیگری حرف‌های‌تان را ادامه می‌دهید. اصلاً بگذارید توی همین خواب بمانم. وقتی اسم خواب وسط باشد خیال هم وسط ماجراست. ترکیبش می‌شود خواب و خیال. اصلاً انگار خواب به‌وجود آمده که به آدمی یاد بدهد می‌تواند زندگی دیگری را هم تجربه کند. آدم می‌تواند یک زندگی دیگر را در خیال تجربه کند. می‌تواند فکر کند فردا روز خوشحال‌تری دارد و بعد خیالش به حقیقت بینجامد. همه این‌ها را نوشته‌م که بگویم یکی از راه‌های شروع نوشتن شروع کردن از همین خواب‌هاست. نویسنده‌های بسیاری از همین خواب‌هایشان الهام گرفته‌اند یا هم کل خواب‌شان را در یک کتاب منتشر کرده‌اند. اما اگر حقیقتش را بخواهید می‌خواستم در این نوشته از تأثیر خواب و خیال در شعر بنویسم که ستون اجاره نمی‌دهد شعرهایی که دوست دارم و از خواب می‌گویند را فقط کنم پشت هم و با هم اینجا و در این مجال هفتگی بخوانیم. یادام بیاورید هفته آینده درباره همین و موضوع بنویسم.

سفر به قصه‌های هزار و یک شب

مدتی است داستان‌های

قدیمی ایران دوباره مورد

توجه قرار گرفته‌اند و

بسیاری از پدر و مادرها

دوست دارند فرزندانشان

با این قصه‌ها که بخش مهمی از ادبیات ایران هستند آشنا شوند. قصه‌های هزار و یک شب» یکی از جذاب‌ترین و ماندگارترین قصه‌های ایرانی است که خوب است بچه‌ها وبخصوص نوجوانان با آن آشنا شوند. داستان رُئی به‌نام «شهرزاد» که وارد قصر پادشاهی بدبین شد و برای اینکه مرگش را به تأخیر بیندازد هر روز برای پادشاه قصه‌ای گفت. اگر دنبال مجموعه‌ای هستید که این قصه‌ها را با زبان نوجوانان امروزی تعریف کند «روایت‌نامه» انتخاب خوبی است. مجموعه حکایت‌هایی از قصه‌های هزارویک شب که توسط داریوش عابدی برای نوجوانان بازنویسی شده است. «روایت‌نامه» شامل سه کتاب «حکایت اسب آبنوس»، «حکایت مرد مرده» و «حکایت گوهر شب چراغ» است که مشهورترین قصه‌های «هزار و یک شب» را روایت می‌کند؛ مدتی این مجموعه آمده است: «هزار و یک شب یکی از بهترین یادگارهای متون کهن است که درواقع مجموعه آداب و رسوم و قصه‌های کهن مردم ایران، هند و سرزمین‌های عربی است و سرشار از نکات پندآموز و حکایت‌های آموزشی است.» مجموعه «روایت‌نامه» را هم می‌توانید از فروشگاه‌ها تهیه کنید و هم در این روزهای کرونا یی آن را در فروشگاه آنلاین انتشارات مدرسه سفارش دهید.



- روایت‌نامه**
- گردآوری: داریوش عابدی**
- نشر: مدرسه**
- سال انتشار: ۱۳۹۹**



هرچه سریع‌تر،انی، کنترل‌ت کمتر می‌شود. بنابراین فرمان را محکم می‌چسبی و چشمانت را باز نگه می‌داری. چون به زندگی وابسته‌ای، زندگی‌ات را ساخته‌ای، برای آن برنامه‌ها داری، توانا قی اینجانیستی، کاری برای انجام دادن داری، وظیفه‌ای داری.

بلا جرمانیا

نوشته دانیل شپک

ترجمه حسین تهرانی

۲۶ شهریور

روز صد و هشتاد و یکم از سال را هم مانند روزهای گذشته با مرور نام و آثار هنرمندان و چهره‌های ادبی و فرهنگی می‌گذرانیم که در چنین روزی به دنیا آمده یا درگذشته‌اند و با آثارشان ماندگار شده‌اند.

تولدما



لورن باکال: بازیگر آمریکایی که بهترین ستاره زن قرن بیستم سینمای کلاسیک هالیوود لقب گرفت سال ۱۹۲۴ در چنین روزی به دنیا آمد. لورن باکال در آکادمی هنرهای دراماتیک بازیگری خواند و بازی در تئاتر را آغاز کرد. سال ۱۹۴۴ اولین نقشش را در فیلم «داشتن و نداشتن» بازی کرد و پس از آن در فیلم‌های «خواب‌اندی»، «گذرگاه تاریک»، «کی لارگو»، «مرز شمال غربی»، «قتل در قطار سریع‌السیر شرق»، «میزی»، «آینه دو چهره دارد»، «قصر متحرک هاول» و «مندرلی» نقش آفرینی کرد. سال ۲۰۰۹ آکادمی علوم و هنرهای تصاویر متحرک جایزه افتخاری این آکادمی را به لورن باکال تقدیم کرد. او سال ۲۰۱۴ درگذشت.

میکی رورک: بازیگر و فیلمنامه‌نویس آمریکایی امروز ۶۸ ساله می‌شود. میکی رورک بوکسور مشهور و صاحب‌نامی بود که از سال ۱۹۸۶ با بازی در فیلم «نه و نیم هفته» وارد سینما شد. چهار خوب او باعث شد سریع به شهرت برسد و در فیلم‌هایی مانند «نیایش برای مرگ»، «شن سفید»، «گلوله»، «پوفالو ۶۶»، «روزی روزگاری در مکزیک»، «دومینو»، «شهر گناه»، «کشتی گیر» و «مرد آهنی» بازی کرد. رورک سال ۲۰۰۵ در فیلم «شهر گناه» درخشید و سه سال بعد برای بازی در فیلم «کشتی گیر» نامزد جایزه اسکار شد و جوایز بقا و گلدن گلوب را به دست آورد. او که زمانی یکی از خوش‌چهره‌ترین بازیگران هالیوود بود به دلیل‌ حضور در مسابقات بوکس و مش‌ت‌هایی که خورد صورتش از فرم اولیه خارج و مجبور شد جراحی‌های پلاستیک زیادی روی صورتش انجام دهد.

مجید صالحی: بازیگری که بیشتر او را با نقش‌های طنز می‌شناسید امروز ۴۵ ساله می‌شود. مجید صالحی با حضور در مؤسسه بازیگری حمید سمندریان این هنر را یاد

گرفت و با بازی در نمایش «دکتر جوشکار» و «آنتیگونه»

به‌صورت جدی وارد این حرفه شد. پس از این دو نمایش به تلویزیون رفت و خیلی زود با شخصیت «مجید دلبندم» و حضور در برنامه‌های طنز مانند «سیب خنده» به شهرت رسید. او بازی در سینما را با فیلم «یکی بود یکی نبود» آغاز کرد و پس از آن او را در فیلم‌های «مجردها»، «خوابگاه دختران»، «سوغات فرنگ»، «بعد از ظهر سگی سگی»، «استراحت مطلق»، «شاه کش» و «زیرنظر» دیدیم که بازی اش در «استراحت مطلق» باعث شد برنده تندیس بهترین بازیگر مرد در جشن حافظ شود. ضمن اینکه برای همین نقش نامزد جشن خانه سینما و جشن منتقدان سینمای ایران هم شد. او سریال‌هایی چون «آشتی‌کنان»، «سه در چهار» و «موج و صخره» را هم کارگردانی کرده است. صالحی در ترانه‌سرایی هم دستی دارد و سال ۹۷ ترانه «مهرم جان» او توسط محسن ابراهیم‌زاده اجرا شد.

❧ سالروز تولد **علی ضیا مجری، فریا چوپان‌نژاد** کارگردان، **ادگار اولمر** کارگردان اتریشی، **سیمین رهنمایی** شاعر، **امید صباغ** نو شاعر، **ابراهیم عادل شاعر، فرشید فرهمند** دنیا شاعر، **سمیه قبادی** شاعر، **امیل اوژیه** نویسنده فرانسوی هم امروز است.

درگذشت‌ها

احمد بیگدلی: نویسنده و یکی از برندگان جایزه کتاب سال در سال ۱۳۹۳ در چنین روزی درگذشت. احمد بیگدلی متولد ۱۳۲۴ بود و پس از آغاز به کار در آموزش و پرورش داستان‌نویسی را به‌طور جدی آغاز کرد. اولین داستانش سال ۱۳۴۷ در مجله ادبی فردوسی منتشر شد و بعدها در زفول با نوشتن نمایشنامه‌ها با هنرمندانی چون غلامحسین ضیایپور و حمید مهرآ را همکاری کرد. پس از موفقیت اولین نمایشنامه‌اش که به‌صورت تله تئاتر از شبکه سراسری آن زمان پخش شد این کار را با نوشتن نمایشنامه‌های «مهری» و «تا ششم ماهه‌ها» ادامه داد و سال ۱۳۵۶ با نمایشنامه «دالو» به شهرت رسید. اما بیگدلی همچنان داستان نوشتن را بیشتر دوست داشت و به همین دلیل پس از موفقیت در تئاتر این کار را در کنار نوشتن نقدهای مرتبط با سینما و تئاتر ادامه داد. مجموعه داستان‌های «شی بیرون از خانه»، «من ویران شده ام»، «اندکی سایه»، «آوای نهنگ»، «مگر چراغی بسوزد»، «بی تردید سه‌شنبه بود»، «نخستین شب راوی» و «زمانی برای پنهان شدن» از آثار منتشر شده بیگدلی است که برای «اندکی سایه» در سال ۱۳۸۵ برنده جایزه کتاب سال شد.

❧ **اروژان خاچندیان** آهنگساز هم در چنین روزی درگذشت.



عکس نوشت

یک کتابفروشی کوچک و روستایی در اسکاتلند با یک طرح ابتکاری، مشتریان زیادی پیدا کرده است.

گردشگرانی که از کشور اسکاتلند و شهر وگتاون بازدید می‌کنند، می‌توانند برای مدتی کتابفروشی «اوپن بوک» این شهر را اجاره کرده و به مدت حداقل یک هفته آن را مدیریت کنند. به این ترتیب گردشگران علاقه‌مند به کتاب می‌توانند هزینه‌های سفر و اقامت خود را با فروش کتاب جبران کنند. به گفته مسئولان کتابفروشی، بسیاری از گردشگران تا هفته‌ها در این روستا اقامت کرده و به شغل موقت کتابفروشی پرداخته‌اند.